

## برداشت اول: اندیش‌مند باهوش و نخبه انقلابی

مهرماه سال ۸۴ بود و از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد چند ماهی گذشته بود. از رییس جمهور برای سخنرانی همایش کانون‌های نخبگان، دعوت کردم. گفت من سفر هستم، ولی یک جوان باهوش واقعاً نخبه را هماهنگ می‌کنم جای من بیاید که همه بچه‌ها را جذب کند. گفتم آقای دکتر بچه‌ها حتما می‌خواهند شما بیایید.

احمدی نژاد گفت: "این آقای لنکرانی به درد جمع نخبگانی شما می‌خورد، او در کمترین زمان ممکن بالاترین مدارج علمی را طی نموده است" رییس جمهور هم‌چنان اصرار داشت که این وزیر نخبه را ببینید ولی ما تهران‌نشین‌ها -ولو جنوب شهری- به دنبال یک چهره مشهور و رسانه‌ای بودیم. این درست اولین باری بود که نام "لنکرانی" به صورت جدی به گوشم می‌خورد که رئیس جمهور همان زمان او را جوان، باهوش و نخبه خطاب می‌کرد.

حقیقتاً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دکتر لنکرانی هوش بالای او در فهم و تسلط به مطالب است؛ کسانی به تیزهوشی او اذعان داشته‌اند که خود از لحاظ علمی، اجرایی و هوش جز بهترین‌های دولت نهم بوده‌اند.

دکتر داوودی معاون اول خوش‌نام، بی‌حاشیه و کارآمد دولت نهم و میرکاملی وزیر بازرگانی دولت نهم و پرویز فتاح وزیر نیروی دولت نهم او را به صفت تیزهوشی و نخبگی یاد می‌کنند. تعریف این بزرگان نیز مطمئناً نه از سر تملق است نه چیز دیگر؛ بلکه از تجربه و همکاری آنها با دکتر لنکرانی نشأت گرفته است. با توجه به اینکه اداره کشور چه در عرصه‌های اقتصادی، مدیریتی، سیاست خارجی و... احتیاج به اندیش‌مندی و هوش بسیار بالا دارد؛ می‌توان این ویژگی را به اذعان همگان در آقای لنکرانی دید.

## برداشت دوم: تحول و مردم‌داری چهره‌ای جدید از وزارت‌خانه

چند ماهی از دولت گذشته بود که خبرهای خوشی از یکی از وزارت‌خانه‌ها به گوش می‌رسید؛ کشف داروهای مختلف، تحولات علمی دانشگاه‌های پزشکی کشور در تراز ملی و بین‌المللی، رویکرد جدید وزارت‌خانه‌ای بود که به تدریج با همین عنوان در زمینه‌های مختلفی نظیر خبر خوش هسته‌ای، کشف داروی ایدز، ماهواره امید و ... در فضای نخبگانی و علمی کشور جا افتاد و شنیده شد. البته حمایت رئیس جمهور نیز از فضای تحولات علمی در آن سال‌ها بی‌نظیر بود.

حضور محسوس نظام سلامت در شبکه‌های رسانه‌ای، موج‌گرایی و توجه به طب اسلامی و سنتی، راه‌اندازی پایگاه‌های اورژانس در راه‌ها و جاده‌ها به اندازه ۳ برابر طول تاریخ گذشته و آغاز نهضت تلاش برای کاهش شدید تلفات جاده‌ای، ساخت و اتمام ۷۳ بیمارستان جدید و بازسازی اکثر خانه‌های بهداشت روستاها و بیمارستان‌های کشور و تزییق و تقویت آنان با نیروهای مجرب و تجهیز ناوگان سلامت، توجه به بیماری‌های خاص و شکستن انحصار دارو و... اخباری بود که به صورت مستمر در دولت نهم شنیده می‌شد و خبر از تحولی در نظام سلامت کشور توسط یک مدیر "نخبه‌ی جوان" می‌داد.

لنکرانی جزء معدود وزرایی بود که در همان ابتدای کار با گردهم آوردن همه‌ی وزرا با هر گرایش، به مشورت با آنان پرداخت و انصافاً در طول دوران مدیریت خود با تصمیماتی انقلابی و شکستن حلقه‌های بسته‌ی مدیریتی توانست کادری انقلابی و خوش‌نام و کارآمد را گردهم جمع نماید.

علاوه بر آنچه که آمارها می‌گویند و مردم در سراسر روستاها و شهرهای کشور شاهد بودند، بارها از دوستان برگزارکننده‌ی سفرهای استانی شنیدم که لنکرانی جزء موفق‌ترین وزرا در انجام و پیگیری مصوبات سفرهای استانی بوده است؛ آنها بیان می‌کردند که لنکرانی جزء وزرایی است با همه وجود به سفرهای استانی باور دارد و از حیث پرکاری و مردمی بودن در طول سفر، همانند احمدی‌نژاد آن سالها تا نیمه‌های شب به حل مشکلات مختلف مردم می‌پردازد. برخورد‌های متواضعانه و بدون تبختر این وزیر جوان در اذهان بسیاری از مردم شهرها و روستاهای بزرگ ایران اسلامی در طول این سالیان به‌خوبی باقیمانده است.

لذا تنها کسی امروز از تغییر ساختار سازمان مدیریت و تمرکز زدایی و افزایش اختیارات استان‌ها و وزارت‌خانه‌ها می‌تواند دفاع کند که بوروکراسی رانتی چند لایه فارغ از واقعیت‌ها را از نزدیک دیده باشد و به فرد ایرانیان در سراسر این کشور معتقد باشد.

در دوره مدیریت لنکرانی بورس‌های تحصیلی که به افراد سیاسی داده می‌شد با سامان‌دهی در اختیار انقلاب قرار گرفت و امروز صدها اندیش‌مند انقلابی با رویکرد و جهت‌گیری انقلابی این وزیر جوان در اصل بودن تعهد در انتخاب افراد، درسراسر جهان مشغول اخذ تخصص و در نهایت بازگشت با عناوین و تجربیات بزرگ برای خدمت به ایران اسلامی هستند.

برگزاری چندین دوره "طرح ولایت" برای جامعه پزشکی و تلاش برای تعالی این قشر با وجود سختی‌های راه، از لنکرانی تنها وزیری را ساخت که علی‌رغم سختی کار با این قشر فرهیخته مباحث فکری و عقیدتی نظام را به صورت سازمان یافته و با برنامه بسط و گسترش داد.

## برداشت سوم: اولین رییس جمهور استانی و نگاه واقعی به

### استان‌ها

برای جهش و تحول در رشد و پیشرفت باید در برنامه‌ها کلیت کشور در نظر گرفته شود. تمام پتانسیل‌ها و مزیت‌های بومی و منطقه‌ای و استانی با کمک و توجه به رویش‌ها و نخبگان منطقه‌ای باید شکوفا شود. یک فرد بدهکار به باندهای قدرت و ثروت مستقر در مراکز، که نجات کشور را در سهمیه‌بندی قدرت و انحصار در حلقه‌های بسته مدیریتی می‌داند و تمام ایران را منطقه شمیرانات تهران می‌پندارد و هیچ فهمی از روستاها و شهرهای کشور پهناور ایران ندارد نمی‌تواند همه توان‌ها را بسیج کند.

دکتر باقری لنکرانی که در طول این مدت هیچ‌گاه راضی نشده مرکز نشین باشد و حضور در استان خود را بر همه منافع حضور در پایتخت ترجیح داده است به عنوان یکی از رویش‌های استانی که از نزدیک فاصله بین برنامه‌ریزی‌ها و وضع موجود را می‌داند و به جوانان اعتقاد دارد و مسیر رشد و پیشرفتش مدیون رایزنی باندهای قدرت و ثروت نبوده، فرد مناسبی برای فعال کردن پتانسیل‌های بومی و منطقه‌ای در سراسر کشور و ادامه رویش‌های بزرگ برای انقلاب است.

## برداشت چهارم: من به لنکرانی رای می‌دهم!

من به لنکرانی رای می‌دهم: چون جزء تنها کسانی است که برنامه اقتصادی و اجرایی مشخص تدوین شده دارد. حدود ۴۰ نفر از وزرا و معاونین وزرا و نخبگان برجسته کشور در تدوین برنامه‌ها او را یاری می‌کنند و بدون منت اعتبار و آبروی خود را برای او در طبق اخلاص گذاشته‌اند؛ من به کسانی که دولت نهم و دهم را نفی مطلق کردند ولی خودشان هیچ برنامه‌ای ندارند رأی نخواهم داد؛ من به کسی رأی می‌دهم که بیشتر وقتش در تبلیغات انتخاباتی صرف تنظیم جلسات و تدوین برنامه‌های اقتصادی و فرهنگی شده باشد.

**من به لنکرانی رأی می‌دهم:** چون به روحانیت انقلابی اعتقاد دارد. در زمان وزارت جز معدود وزرایی بود که به خدمت علمایی نظیر آیت‌الله بهجت جهت

کسب تکلیف می‌رفت و مورد نقد ایشان قرار می‌گرفت. من به لنکرانی رأی می‌دهم چون آیت‌الله خوشوقت فرمود: "بروید دست همین شیرازی را بگیرید برای ریاست جمهوری بیاورید!" من به لنکرانی رأی می‌دهم چون علامه مصباح به او گفت: "در شما متعین است و هیچ راه گریزی نیست چون پای دین و ولایت و شهدا وسط است" من به کسی رأی نمی‌دهم که حضور و قعودش فقط مبنای قدرت دارد؛ من به کسی رأی می‌دهم که حجت شرعی بر آن داشته باشم و با تکلیف شرعی علما به صحنه آمده باشد. من به کسی رأی می‌دهم که از نزدیک دیده‌ام حضور در این عرصه را به او تکلیف کرده اند نه اینکه از سالها قبل دنبال مانورهای انتخاباتی و تشکیل ستاد و ... باشد و همین الان هم که کمتر از دو ماه تا انتخابات فرصت مانده، هنوز ستادهای درست و درمانی ندارد و بچه‌های سوم تیری، دور هم جمع شده اند تا هر کاری می‌توانند برای شناساندن او به مردم انجام دهند.

**من به لنکرانی رأی می‌دهم:** چون کسی است که برای اداره کشور تیم منسجم و خوش‌نام اقتصادی و اجرایی دارد. فلاح می‌گوید در تدوین برنامه‌هایش کمکش می‌کند. داوودی معاون اول دولت نهم کمک به او را افتخار می‌داند و تمام پتانسیل خود را برای کمک به او بکار خواهد بست. میرکاظمی به هوش و قدرت مدیریت او اعتقاد دارد و دکتر سلیمانی پدر علم مخابرات ایران و معمار ماهواره ایرانی، ریاست ستاد او را با افتخار می‌پذیرد. من به کسانی که از الان بر سر سهمیه‌بندی‌ها و تقسیم وزارت‌خانه‌ها دعوا می‌کنند و دولت غیر منسجم شرکت سهامی می‌خواهند شکل بدهند رأی نخواهم داد؛ من به دولت منسجم رأی خواهم داد.

**من به لنکرانی رأی می‌دهم:** چون از جامعه علمی کشور است؛ چون از نخبگان و اساتید برجسته دانشگاه است؛ نخبگی و تیزهوشی لنکرانی را سوابق روشن علمی و اخذ مدرک پروفیسوری و مقالات متعدد بین‌المللی و داخلی گواه است، من به کسانی که از جامعه علمی کشور نیستند و مدارک خود را از قشم و کیش و جزایر دیگر اخذ کرده‌اند رأی نمی‌دهم، من به کسی رأی می‌دهم که دانشگاه، دانشگاه و فضای آن را بشناسد و برای اخذ درک ارشد و دکترا، زحمت حضور در دانشگاه را کشیده باشد.

**من به لنکرانی رأی می‌دهم:** چون در برهه‌های حساس تاریخ در این چند سال همواره شجاعانه اهل هزینه کردن بوده است. در جریان انتخابات ۸۸ جز معدود وزرایی بود که مردانه به میدان دفاع آمد و از همه مهم‌تر اینکه تنها کسی است که

## عقلانیت، معنویت، عدالت مول محور ولایت



## چرا لنکرانی؟

توان و تسلط بیان عملکرد در حوزه‌های مختلف و دفاع و اقناع در جمع‌های سنگین دانشجویی را دارد. به راحتی وزارت را با دفاع از ولایت جایگزین کرد و در انتخابات مجلس هم در وسط صحنه محاکمه سیاست پیشگان و ساکتین فتنه بود. من به کسانی که برای جمع آوری رأی، فتنه را "کدورت" می‌نامند و همیشه حرفهای دویپهلوی می‌زنند و در فتنه‌ها و موقع هزینه دادن صحنه را خالی می‌کنند رأی نمی‌دهم؛ من به کسی رأی می‌دهم که برای دفاع از ولایت اهل هزینه دادن باشد.

**من به لنکرانی رأی خواهم داد:** چون وزیری بود که پس از برکناری بدون هیچ حاشیه‌ای به راحتی به شیراز بازگشت و هیچ‌گاه به پست‌ها و عناوین روی خوش نشان نداد. وقتی همه تلاش کردند در مجلس کاندیدا شود از قدرت فرار کرد و تا سه هفته مانده به ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری همه تلاش خود را برای حضور سایرین و فرار از قدرت صرف نمود؛ من به کسی رأی نمی‌دهم که سال‌ها در ذهن خود به دنبال قدرت است من به کسی رأی میدهم که فراری از قدرت باشد.

**من به لنکرانی رأی می‌دهم:** چون مثل مردم زندگی می‌کند، پس از دوره وزارتش نه محافظ دارد و نه راننده؛ حتی با اینکه از لحاظ علمی جزو متخصص ترین‌ها در رشته خودش است، هیچ‌گاه مطب خصوصی برای خود درست نکرد و همواره در یک بیمارستان دولتی در شیراز به طبابت خود ادامه داده است. قبل و بعد از وزارتش فرقی نکرده و هنوز همان روحیه خاکی بودن، تواضع و سوم تیری اش را حفظ کرده است.

**من به لنکرانی رأی می‌دهم:** چون آدم با تقوا، اخلاقی و بی حاشیه‌ای است و این همان چیزی است که امروز کشور بیش از همه به آن نیاز دارد. چون آقا هم در آخرین سخنرانی خود همین را به عنوان یک معیار، برای یک رییس جمهور خواسته اند. من به لنکرانی رأی می‌دهم چون هر روز دروغ‌ها و تهمت‌های متعددی علیه او منتشر می‌کنند اما او هم چنان اخلاق مدارانه با آنها برخورد می‌کند. از او نقطه ضعفی ندارند و رو به انتشار شایعات مختلف آورده اند اما لنکرانی با چهره آرام، متبسم و همیشگی خود نشان داده است می‌توان در سخت‌ترین عرصه‌های سیاسی حضور داشت و بیشترین اهانت‌ها را تحمل کرد، اما ذره‌ای از تقوای سیاسی و اخلاق عدول نکرد.